

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۳

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

## بررسی اهتمام به نقل روایات مهدویت در منابع حدیثی اهل سنت

خدامراد سلیمیان<sup>۱</sup>

### چکیده

شیعه بر این باور است که جایگاه مهدویت در نظام آموزه‌های اسلامی سبب شده تا احادیث فراوانی بدان اختصاص یابد. اما دلایلی از جمله گذر از دوران منع حدیث و نیز حذف روایات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام سبب شده تا شمار این روایات در میان اهل سنت به شدت کمتر از شیعه باشد و از دوره‌ای به دوره پس از آن رو به کاستی رود تا جایی که برخی از اهل سنت جرأت کنند اساس مهدویت را نادیده گرفته آن را باوری شیعی معرفی کنند.

با گذری کوتاه در منابع روایی موجود، می‌یابیم که موضوعات مربوط به امام مهدی علیه‌السلام و برپایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، چندان مورد اهتمام نبوده است به گونه‌ای که برخی جوامع و صحاح، یا اساساً اشاره‌ای به روایات مهدویت نکرده و یا روایات بسیار اندکی نقل کرده‌اند. در این پژوهش با بررسی آماری تطور روایات مهدوی در جوامع و صحاح و برخی منابع روایی تا قرن پنجم این کوتاهی در نقل روایات مهدویت را برمی‌رسیم.

آشنایی با منابع و نیز سیر تطور نقل این روایات از آن جهت که به فهم بهتر این اندیشه در میان اهل سنت کمک شایانی می‌کند دارای اهمیت بسیاری است.

### واژگان کلیدی

اهل سنت، مهدویت، تطور، احادیث، منابع روایی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (kh.Salimian@yahoo.com).

## مقدمه

باورداشت «مهدویت» به عنوان بخش برجسته‌ای از عقاید بسیاری از مسلمانان بر پایه نویدهای روشن پیامبر گرامی اسلام ﷺ (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷؛ ابن ابی زینب نعمانی؛ ۱۳۹۷: ۱۷۸؛ جلال الدین سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۱؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ۱۴۱۷: ج ۳، ۳۸۳) میان بیشتر نزدیک به همه مذاهب اسلامی و فرقه‌ها، با تفاوت‌هایی پذیرفته شده است. (مهدی اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۳۸)

روایات مربوط به حضرت مهدی ﷺ، مردی از اهل بیت ﷺ که به پا خواهد خواست، عدل و قسط را آشکار می‌کند؛ مردم جهان از او پیروی می‌کنند و او بر سراسر گیتی چیره می‌شود اگرچه بسیار اندک اما، در بسیاری از کتاب‌های اهل سنت نیز آمده است. (مهدی فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۲۳)

اهل سنت از همان قرن‌های نخستین اسلام و آغاز نگارش مجموعه‌های روایی، بر اثر دو پدیده شوم منع حدیث و دیگری حذف روایات فضائل اهل بیت ﷺ خود را از بخش بزرگی از سخنان ارزشمند پیامبر ﷺ محروم کردند اما هرگز نتوانستند اساس مهدویت را حذف کنند. اگرچه نقل بسیار اندک روایات مهدویت در منابع اهل سنت سبب شده تا امروزه خوشبینانه‌ترین شمار روایات در این مذهب کمتر از پنجاه روایت دانسته شود که بیش از نیمی از آن نیز از غیر از پیامبر ﷺ نقل شده است. (عبد العظیم عبدالعظیم البستوی؛ ۱۴۲۰: همه کتاب) اما هم‌چنان در میان پیروان این مذهب جایگاه مناسبی دارد و البته این، سبب شده تا برخی از نویسندگان این مذهب، به‌ویژه در دوران معاصر، به خود جرأت داده از پذیرش اصل «مهدویت» سر برتابند. افرادی چون احمد امین مصری که در تحلیل مسئله مهدویت، اندیشه مهدی، را معلول اسباب سیاسی، اجتماعی و دینی دانسته برایین پندار است که این فکر زائیده شیعه است که پس از خروج خلافت از دست اهل بیت ﷺ، آن را ابداع کردند. وی برایین گمان است که رهبری باهوش شیعه با سوءاستفاده از ساده‌اندیشی توده‌ها و شوق آنان به دین اسلام، از این جنبه ظاهرالصلاح شروع به تبلیغ نمودند، حدیث‌ها را جعل و آنها را از قول پیامبر ﷺ روایت کردند. (احمد امین؛ ۱۹۹۹: ج ۳، ۲۴۳؛ به نقل از: مهدی اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۱۹)

همچنین شیخ عبدالله بن محمود، رساله‌ای با نام «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» نوشته و بدون استناد دادن سخنان خود به احمد امین، همان سخنان را تکرار کرده است. (عبدالمحسن العباد؛ الردّ علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی،

مجله الجامعة الاسلامیه، ۱۴۰۰ق، شماره ۴۵، ص ۱۷؛ به نقل از پیشین)

البته، نه این نخستین تهمت و نه آخرین آن به شیعه است و نه اینان یگانه کسان در این تهمت زدن، که پیش تر، اتهام جعلی بودن حدیث های مهدویت، از سوی برخی از خاورشناسان، که نوع موضع گیری آنها درباره مسائل اسلامی روشن است، مطرح شده است. مانند: گلدزیهر (متوفای ۱۹۲۱م) که اندیشه مهدی را در اصل به عناصر یهودی و مسیحی برمی گرداند، که برخی ویژگی های سائوشیانیت زردشتی به آن اضافه شده است. وی به این هم بسنده نکرده اضافه می کند که:

چنان که خیال پردازان نیز به آن مطالبی افزوده اند و عقیده مهدی، مجموعه ای اساطیری شد... احادیثی به پیامبر ﷺ نسبت دادند که اوصاف دقیق مهدی در آن تصویر شده بود، در حالی که این احادیث به هیچ وجه در تألیفاتی که احادیث صحیح در آنهاست نیامده است. (فتخار؛ ۱۳۷۸: ۵۹؛ به نقل از پیشین)

این که این مستشرق با این اطمینان به نبود حدیث های صحیح مهدویت، اذعان دارد، بخشی از سر دشمنی و بخشی به سبب کمی روایات در منابع اهل سنت است که بیشترین مواجهه آنان با آن منابع (به ویژه صحیحین) است.

امروزه ثابت شده که مباحث مربوط به مهدی موعود ﷺ در تاریخ اسلام از سده های نخستین تا کنون، با فراز و فرودهایی مورد توجه دانشمندان برجسته مسلمان بوده است و در این زمینه آثار گران قدر حدیثی و کلامی نگاشته اند.

به هر روی حدیث پیامبر ﷺ در مهدویت مانند دیگر سخنان آن حضرت، با گذر از این دوران پرماجرآ رفته رفته از حالت نقل شفاهی و سینه به سینه، به صورت نوشته در کتاب ها و مجموعه های روایی گرد آمد و گاهی به همراه دیگر روایات به صورت کتاب روایی عام، و گاهی به صورت جداگانه، به صورت کتاب روایی ویژه مهدویت شکل گرفت که به عنوان منابع مهدویت در اهل سنت، سرگذشت دیگری دارد، و بررسی گسترده ای را می طلبد.

پس از دوران منع حدیث در عصر خلافت عمر بن عبد العزیز، زمانی که دوران واپسین گروه صحابه بود، نوشتن حدیث به دستور وی به طور رسمی آغاز شد. (ر.ک: محمود ابوریه؛ بی تا: ۸۸)

به نظر می رسد درخشان ترین دوره در تدوین و گردآوری روایات در میان اهل سنت دو قرن سوم و چهارم است. اگرچه همچنان نقل روایات مهدویت همواره مورد اهتمام بوده است. این مرحله بنیادین و برجسته در برگزیده سال هایی است که کتاب های حدیثی بزرگی به

عنوان «جوامع»، «صحاح»، «سنن» و «مسانید»؛ در میان اهل سنت در زمینه‌های گوناگون نگارش یافت. از جمله کتاب‌های برجسته‌ای مانند: صحیح بخاری تألیف محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای / ۲۵۶ق)؛ صحیح مسلم اثر مسلم بن حجاج قشیری (متوفای / ۲۶۱ق)؛ سنن ابوداود تألیف ابوداود سلیمان بن اشعث (متوفای / ۲۷۵ق)؛ سنن ترمذی گردآورده محمد بن عیسی ترمذی (متوفای / ۲۷۹ق)؛ سنن نسایی تألیف احمد بن شعیب نسایی (متوفای / ۳۰۳ق)؛ سنن ابن ماجه تألیف محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (متوفای / ۲۷۵ق).

گفتنی است درباره بررسی علل نقل اندک روایات مهدیت در منابع روایی اهل سنت، کار درخوری صورت نگرفته است و حتی در نمایاندن این نقل اندک نیز بررسی صورت نگرفته است. اگرچه در این نوشتار نیز به تحلیل و پاسخ به این چرایی چندان پرداخته نشده است اما در پی این بوده است تا با گزارشی کوتاه از این نبود اهتمام، زمینه بررسی‌های گسترده‌تر را فراهم آورد.

### بررسی منابع و روایات

در میان منابع روایی در دست، کتابی که مربوط به دو سده نخست باشد و در آن روایت مهدویت نقل شده باشد به چشم نیامد و به طور عمده از سده سوم هجری آغاز می‌شود. در این سده که در میان اهل سنت نگارش آثار روایی شتاب گرفت، روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام در برخی منابع روایی اهل سنت ذکر شده است. البته در پاره‌ای از این منابع، به روشنی به حضرت مهدی علیه السلام اشاره نشده؛ اما با شواهد و قرائن بر او قابل انطباق است. از موضوعاتی که به طور عمده در این روایات و منابع روایی آمده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: حضرت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام، ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام، زندگی و روش آن حضرت، چگونگی ظهور و حکومت ایشان.

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که اهتمام به نقل روایات، فراز و فرودهایی را پشت سر نهاده است که توجه به شمار روایات نقل شده در آثار می‌تواند آگاهی‌های مفیدی را در اختیار قرار دهد. از برجسته‌ترین آثاری که به نقل روایات اقدام کرده‌اند می‌توان به این آثار اشاره کرد:

- المصنف، اثر ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (متوفای / ۲۱۱ق)، از بزرگان محدثین اهل سنت، (ر.ک: هارالد موتسکی، مصنف عبدالرزاق صنعانی منبعی برای احادیث سده نخست هجری، مترجم: زهرا (شادی) نفیسی، علوم حدیث تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۰) که در یازدهم مجلد شکل گرفته، در جزء یازدهم فصلی را با عنوان «باب المهدی» گشوده و در آن یازده

حدیث نقل کرده است. این احادیث از شماره ۲۰۷۶۹ آغاز و تا شماره ۲۰۷۷۹ ادامه دارد. وی پس از این باب، با عنوان باب «اشراط الساعة» به برخی موضوعات مرتبط دیگر با مهدویت نیز اشاره کرده است. این نخستین کتاب موجود از اهل سنت است که احادیث مربوط به مهدی موعود را به شکلی منظم، گرد آورده است. و از آن جهت که پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام نگاشته شده، دارای برجستگی است.

گفتنی است این شمار روایات در موضوعاتی است مانند: همزمانی قیام مهدی و مرگ عبدالله، برانگیخته شدن مردی از اهل بیت (بدون اشاره به نام فردی خاص) اشاره به برخی فتنه‌ها، وجه نام‌گذاری مهدی، ویژگی‌های جسمانی، خروج مهدی پس از نشانه‌ای در خورشید، پرشدن زمین از عدل پس از پرشدن از ظلم (بدون اشاره به قیام مهدی) و سختی‌هایی که بر عرب عارض خواهد شد. (عبدالرزاق صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۷۱)

بنابراین در مجموع این روایات فقط در چهار روایت به مهدی اشاره شده و هیچ اشاره‌ای به مباحث برجسته‌ای چون نسب، ولادت، نشانه‌ها و شرایط ظهور و... نشده است.

البته نقل شمار بسیار اندک از روایات مهدویت در موضوعات بسیار محدود بدون نقل روایات درباره مباحث گسترده مهدوی، گویای میزان اهتمام اندک نویسندگان نخستین روایات اهل سنت به این موضوع اساسی است چرا که بجز برخی آثار، عموم منابع اهل سنت به نقل روایات بسیار اندکی از مهدویت پرداخته‌اند. (ر.ک: مهدی اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۱۱)

از برجسته‌ترین آثار اهل سنت در نقل روایات مهدویت می‌توان به کتاب *الفتن* اثر ابوعبدالله نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث بن همام بن سلمة بن مالک الخزاعی المروزی معروف به الفارض الأعور (متوفای / ۲۲۸ یا ۲۲۹ ق) اشاره کرد. که از لحاظ حجم روایات درباره فتنه‌های پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تا برپایی قیامت، نشانه‌های آخرالزمان و نشانه‌های ظهور در بین کتاب‌های شیعه و اهل سنت کم نظیر است و از آن جا که بخش گسترده‌ای از روایات مهدویت و به ویژه نشانه‌های ظهور، از این کتاب نقل شده، بررسی آن از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان نمونه در کتاب *عصر ظهور* اثر علی کورانی حدود نیمی از روایات از این کتاب نقل شده است.

### اعتبار نعیم

درباره نعیم و اعتبار روایات او دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی وی را به شدت تضعیف کرده و برخی به تقویت او پرداخته‌اند؛ کسانی مانند:

عبدالله بن عدی (متوفای / ۳۶۵ق) در *الکامل* ضمن بیان دیدگاه‌های گوناگون درباره ابن حماد، نقل کرده که وی به انگیزه تقویت سنت دست به جعل حدیث می‌زده است. (عبدالله بن عدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۶)

- ذهبی (متوفای / ۷۴۸ق) ابتدا در مورد نَعِیم بن حَمَّاد می‌گوید: «الامام، العلامة، الحافظ» ولی در ادامه، سخنی می‌آورد که ضعف نَعِیم بن حَمَّاد را می‌رساند. او می‌گوید: «... روی عنه البخاری مقروناً بآخر...» (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۵۹۵، ش ۲۰۹) که این عبارت «مقروناً بآخر» گویای این است که بخاری، اعتماد چندانی به سخن نَعِیم بن حَمَّاد نداشته است.

ذهبی در جای دیگر در مورد ابن حَمَّاد چنین می‌گوید:  
لا يجوز لأحد أن يحتج به و قد صنف كتاب «الفتن» فأتى فيه بعجائب و مناكير؛ (همان: ۶۰۹) استناد به ابن حماد روا نیست؛ او کتاب فتن را تألیف کرده و در آن جریان‌ات شگفت و منکری (ناشناخته) را آورده است.

ذهبی در همین صفحه، از دیگران چنین نقل می‌کند:  
كان يضع الحديث في تقوية السنة و حكايات عن العلماء في ثلب أبي فلان - ابوحنيفة - كذب؛

او در تقویت و تأیید اهل سنت احادیث جعل می‌کرد و داستان‌هایی را به دروغ در مورد ابوحنيفة، از علماء نسبت داد.

- نسائی نیز وی را ضعیف دانسته است. (نسائی، ۱۴۰۶: ۲۴۱، ش ۵۸۹)  
المزی در *تهذیب الکمال* پس از نقل این که نَعِیم بن حماد خود معترف بوده که پیش‌تر جهمی بوده است، با اشاره به منابع پیشین چون *تاریخ بغداد و الکامل*، دیدگاه‌هایی را درباره نَعِیم نقل کرده که در آن برخی وی را توثیق و برخی دیگر او را تضعیف کرده‌اند. (المزی، ۱۴۱۳: ج ۲۹، ۴۶۹ - ش ۴۷۱.۹)

از میان دانشمندان بزرگ معاصر شیعه علامه امینی صاحب کتاب *ارزشمند الغدیر* در این کتاب تحت عنوان «سلسلة الكذابين و الوضاعين» در ضمن صدها نفر از کسانی که به وضع و جعل احادیث اقدام می‌کرده‌اند به نَعِیم بن حماد اشاره کرده است. (امینی، عبدالحسین، ۱۳۸۷: ج ۵، ۲۶۹، ش ۶۳۹؛ و نیز نک: ۲۷۶، ۳۵۳؛ ج ۱۱، ۸۶ و ۸۷)

به نظر می‌رسد با توجه به دیدگاه‌های یادشده به کتاب فتن و به روایات آن و حتی به شخص نَعِیم نمی‌توان اعتنا، اعتماد و استدلال کرد.

## اعتبار کتاب

ابن حماد در این کتاب حدود دو هزار روایت از احادیث و آثار اعم از مسند، مرفوع، مقطوع و موقوف و بلکه اقوال و روایاتی از اهل کتاب و اخبار کاهنان را گردآورده است. که برخی صحیح، حسن، ضعیف، و بسیار ضعیف است.

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد ذهبی در کتاب *سیر اعلام النبلاء* پس از نقل دیدگاه‌ها دربارهٔ نعیم، احتجاج به نعیم و کتاب او را به دلیل نقل روایات غیر متعارف غیر جایز می‌داند. (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۶۰۹) و از گفته همه کسانی که وی را به گونه‌ای تضعیف کرده‌اند بر می‌آید که کتاب وی نیز اعتبار چندانی ندارد.<sup>۱</sup>

یکی از نویسندگان معاصر اهل سنت در یک جمع‌بندی، کتاب وی را مجموعه‌ای از روایات مرفوعه، موقوفه، مقطوعه، سخنان مردم و روایات اهل کتاب دانسته است. (عبدالعظیم عبد‌الظیم البستوی؛ ب ۱۴۲۰: ۱۲۰)

با وجود تأثیر فراوانی که *الفتن* نعیم بن حماد در میان اهل سنت و شیعیان دارد و بسیاری از روایات علائم ظهور از آن نقل می‌شود، اعتبار چندانی برای آن نمی‌توان قائل شد. ضمن این که عموم کسانی که این کتاب را پژوهش کرده‌اند به بر ساخته بودن یا ضعف بسیاری از روایات کتاب اشاره کرده‌اند.

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد کتاب *التشريف باليمن في التعريف بالفتن* معروف به ملاحم سیدبن طاووس، گردآوردهٔ سیدبن طاووس بخش قابل توجهی از کتاب خود را به روایات کتاب *الفتن* ابن حماد اختصاص داده و محدثان بعدی شیعه که روایات کتاب سید را گزارش کرده‌اند بدون توجه به منبع اصلی آن، احادیث را به نقل از یک عالم شیعی در تألیفات خود آورده‌اند. و البته این سیر تا زمان ما هم چنان ادامه یافته و از کتابی به کتاب دیگر به طور مستقیم و گاه به واسطه ابن طاووس بسیاری از روایات *الفتن* در مسیر تاریخ جریان یافته است که سوگ مندانه مشکلات فراوانی را در پی داشته است.

- *المصنف فی الاحادیث والآثار* اثر حافظ عبدالله بن محمد بن ابی شیبیه کوفی (متوفای ۲۳۵ق)، از بزرگان پیشوایان حدیث اهل سنت، که در هشت مجلد سامان یافته است. در مجلد هشتم جزء پانزدهم، فصل سی وهفت آن، بخشی را با نام «کتاب الفتن» قرار داده است. (ابن ابی شیبیه کوفی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۵۹۰) و احادیثی را در رابطه با مهدی موعود و

۱. بی‌گمان، کسی که تک تک روایات این کتاب را بررسی کند به چنین نتیجه‌ای می‌رسد.

مباحث مربوط به او ذکر کرده است. (حدیث ۱۹۴۸۴ تا حدیث ۱۹۴۸۸) در برخی از این احادیث به نام مهدی تصریح شده است. ویژگی‌های نسبی و اخلاقی مهدی، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های دوران ظهور ایشان، از موضوعات این روایات است. (همان: ج ۸، ۶۷۷) شمار بسیار اندک روایات مهدویت در این اثر (پنج روایت) نیز، نشان از اهتمام اندک به نقل احادیث مهدویت در میان اهل سنت، است.

- *مسند احمد*، اثر احمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی (متوفای ۲۴۱ق)، از پیشوایان چهارگانه اهل سنت است. وی در این کتاب، احادیث گوناگون و پرشماری را درباره مهدی ذکر کرده است. این احادیث به پیوست کتاب *البیان فی اخبار صاحب الزمان* اثر محمد بن یوسف کنجی شافعی، در مجموعه‌ای با نام *احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل*، به چاپ رسیده است. در این مجموعه، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد گزینش و در موضوعات گوناگون مهدوی سامان یافته است از جمله: ۳۵ حدیث با عنوان «الخلفاء الاثنا عشر»؛ ۳۵ حدیث در بیان «علامات الظهور»؛ ۲۶ حدیث با عنوان «ظهور المهدی»؛ شش حدیث با عنوان «المهدی من عتره رسول الله ﷺ»، چهار حدیث با عنوان «یواطء اسم الله رسول الله ﷺ»؛ چهارده حدیث با عنوان «نزل عیسی و الامام هو المهدی» و چهل حدیث هم با عنوان «لاتزال طائفة یقاتلون علی الحق الی ان یتی امر الله». در میان کتاب‌های حدیثی زمان خود و پیش از آن، مسند احمد بیشترین حدیث را در موضوع مهدویت ذکر کرده است.

اگرچه این شمار در روایات اهل سنت، به نسبت به دیگر آثار، چشم‌گیر است اما کمی روایات خاص و روشن در میان این روایات، حکایت از پذیرش روش معمول اهل سنت در نقل روایات مهدویت دارد چراکه در میان این شمار از روایات، به بسیاری از موضوعات مهدوی پرداخته نشده است.

- *سنن ابن ماجه*، اثر محمد بن یزید ابو عبدالله القزوی (متوفای ۲۷۳ق) از محدثان معروف اهل سنت بوده و کتاب وی در شمار صحاح شش‌گانه قرار گرفته است. وی در بخشی از این کتاب و با عنوان «الفتن» در ضمن پرداختن به احادیث مربوط به فتنه‌ها، بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است. این احادیث از شماره ۴۰۸۲ آغاز و به شماره ۴۰۸۸ پایان می‌یابد.

نسب مهدی، شرایط پیش از ظهور، زمینه‌سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و سرانجام ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت مهدی، از موضوعات این روایات است. نکته درخور نگرش این‌که در شش حدیث از مجموع هفت حدیث، به لقب مهدی تصریح شده



است. (محمد بن یزید قزوینی، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۶) اما هم چنان نقل اندک روایات و نیز آوردن این شمار اندک در مجموعه ای گسترده تر با نام الفتن نیازمند بررسی است.

- سنن ابی داود، نوشته سلیمان بن الأشعث ابو داود السجستانی (متوفای / ۲۷۵ق) یکی از صحاح شش گانه اهل سنت است؛ که پس از صحیح بخاری و مسلم از شهرت ویژه ای برخوردار است. نویسنده در این مجموعه، که دو جلد (جلد نخست ۶۶۰ و جلد دوم ۵۳۴ صفحه) نگارش یافته است بخشی را با عنوان «کتاب المهدی» (سلیمان ابن الأشعث سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۰۹) به صورت ویژه سامان داده و در آن سیزده روایت نقل کرده است؛ که با حدیث ۴۲۷۹ آغاز می شود. این احادیث یکی از منابع قابل ملاحظه، درباره «مهدویت» نزد اهل سنت است. موضوعاتی چون: مهدی از اهل بیت رسول خدا ﷺ است، ویژگی های نسبی وی، ویژگی های جسمی آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، حتمی بودن ظهور، اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر ظهور و سرانجام جهان پس از مهدی ﷺ در این روایات آمده است.

- الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، که به دست محمد بن عیسی ابو عیسی ترمذی سلمی (متوفای / ۲۷۹ق) نوشته شده در شمار صحاح شش گانه اهل سنت در پنج مجلد به چاپ رسیده، است. وی در جزء چهارم بابی با عنوان «ما جاء فی المهدی»، از شماره ۲۲۳۰ تا ۲۲۳۲ سامان داده و در آن سه حدیث به نقل از رسول خدا ﷺ آورده است. (محمد بن عیسی ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳) در دو حدیث نخست این باب، به لقب حضرت مهدی تصریحی نشده و فقط مسئله منجی و حتمی بودن حاکمیت شخصی از اهل بیت ﷺ و هم نام رسول خدا ﷺ بیان شده است.<sup>۱</sup>

ترمذی درباره حدیث اول و دوم گفته است: «هذا حدیث حسن صحیح» حدیث حسن و صحیح و درباره حدیث سوم گفته است: «هذا حدیث حسن»؛ (محمد بن عیسی ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۳۴۳) هر چند در این مجموعه حدیثی، شمار احادیث مربوط به حضرت مهدی ﷺ بسیار اندک است؛ ولی با توجه به اسناد آنها، این احادیث برجسته و درخور نگرش دارای آگاهی های فراگیری درباره حضرت مهدی ﷺ است.

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد با توجه به گستره و شمار فراوان روایات این کتاب و نیز اهمیت بحث مهدویت، نقل این شمار اندک روایت غیر قابل توجیه است.

گفتنی است از آثار در دست مربوط به این سده به جز کتاب الفتن شمار روایات نقل شده

۱. از آثاری که به نقل و بررسی روایات این اثر پرداخته می توان به کتاب: در انتظار ققنوس کاروشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی باوری، نوشته ثامر هاشم حبیب عمیدی، ترجمه: مهدی علیزاده، اشاره کرد.

مهدوی بسیار اندک و در موضوعات محدودی است.

- **المعجم الكبير**، اثر ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الطبرانی (متوفای / ۳۶۰ ق) از بزرگان محدثین و مشاهیر حفاظ اهل سنت است. وی دارای نوشته‌هایی چون: **دلایل النبوة**، **کتاب الاوائل**، و نیز معجم‌های سه‌گانه با نام **معجم الكبير**، **معجم الاوسط** و **معجم الصغیر** است.

نویسنده در کتاب **معجم الكبير** که اینک در ۲۰ جلد در دسترس است، روایاتی درباره مهدی علیه السلام نقل کرده است که بخشی از آن در شماره ۱۰۲۱۳ تا ۱۰۲۳۱ نقل شده است. البته در بخش‌های دیگر نیز روایاتی به صورت پراکنده و به مناسبت نقل شده است. از برجسته‌ترین موضوعاتی که در این روایات یاد شده می‌توان به حتمی بودن برانگیخته شدن مهدی، از اهل بیت بودن وی، هم نام بودن او با پیامبر صلی الله علیه و آله و عدالت‌گستری آن حضرت، اشاره کرد.

نکته قابل درنگ آن‌که در برخی از روایات این کتاب به هم‌نام بودن پدر مهدی با پدر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است. (طبرانی، بی تا: ج ۱۰، ۱۳۳)

- **المستدرک علی الصحیحین**، اثر محمد بن عبدالله ابو عبدالله حاکم نیشابوری (متوفای / ۴۰۵ ق)، محدث و تاریخ‌نگار شهیر اهل سنت، است. (نک: علی رضا حیدری نسب، حاکم نیشابوری و المستدرک علی الصحیحین «با تأکید بر اخبار مناقب»، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰) وی به اقرار محدثان اهل سنت، چهره‌ای برجسته و نظریه‌پردازی کم‌نظیر در مذهب اهل تسنن بود که در رعایت خط فکری حاکم بر جامعه اهل سنت کوتاهی نداشت. کتاب او نیز چنان‌که از نام آن پیداست در آن گردآوری احادیث صحیحی بوده که نقل آنها از بخاری و مسلم، در صحیحین فوت گردیده است.

نویسنده در پیش‌گفتار کتاب درباره انگیزه نگارش این اثر نوشته است: جماعتی از بزرگان حدیث این دیار از من تقاضا کردند که کتابی از احادیث صحیح، بر طبق اسنادی که بخاری و مسلم بدان احتجاج کرده‌اند جمع‌آوری کنم چرا که عذری برای عدم تدوین روایاتی که مشکلی ندارد وجود ندارد و آن دو نفر هم ادعایی در این جهت (جمع‌آوری همه روایات صحیح) نکرده‌اند.

وی احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را در جزء چهارم از مجموعه چهار جلدی کتاب خود در فصلی خاص، در کتاب **الفتن والملاحم** و در برخی قسمت‌های دیگر به صورت پراکنده ذکر کرده است. وی در این احادیث به موضوعاتی چون: نسب، ویژگی‌های جسمانی، شرایط پیش از

ظهور، اصل ظهور و مسائل گوناگون دیگر پرداخته است.

حاکم نیشابوری درباره هر یک از چهار حدیث چنین می‌گوید:

اسناد این حدیث صحیح است؛ اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند. (ابوعبدالله حاکم نیشابوری (متوفای/۴۰۵ق)، ۱۴۰۶: ج ۴، ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۵۳ و ۵۵۸)

درباره سه حدیث دیگر می‌گوید:

اسناد این حدیث صحیح است با شرط مسلم؛ ولی بخاری و مسلم نقل نکرده‌اند. (همان: ۴۵۰، ۵۵۷ و ۵۵۸)

نظرش درباره هشت حدیث دیگر این چنین است:

این حدیث صحیحی است با شرط شیخین (مسلم و بخاری)،<sup>۱</sup> ولی آن را نقل نکرده‌اند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۷، ۴۶۴، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴ و ۵۵۷)

از دیگر منابع روایی اهل سنت در مهدویت *اربعون حدیث*، ابونعیم اصفهانی (متوفای/۴۲۰ق) است. وی از دانشمندان مشهور اهل سنت، آثار و نوشته‌های فراوانی دارد. کتاب *اربعون حدیث* اکنون در دسترس نیست و اربلی در کتاب *كشف الغمة فی المعرفة الائمة* آن را آورده است. وی پیش از ذکر احادیث چنین گفته است:

من چهل حدیثی را که ابونعیم اصفهانی آنها را درباره مهدی عجل الله فرجه جمع‌آوری کرده، به‌طور کامل - همان‌گونه که وی ذکر کرده - آوردم و به راوی از رسول خدا ص اکتفا کردم.<sup>۲</sup> (علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۲۵۵)

- *جامع الاصول من احادیث الرسول* ص، اثر مجدالدین، ابی السعادات، مبارک بن محمد بن عبدالکریم شیبانی مشهور به ابن اثیر (متوفای/ ۶۰۶ق)، یکی دیگر از منابعی است که برخی روایات مهدویت را نقل کرده است. نویسنده کتاب از بزرگان اهل سنت در تفسیر، فقه، حدیث، نحو و لغت و برادر ابن اثیر تاریخ‌نگار معروف صاحب *الکامل فی التاریخ*، است. از وی آثار گوناگونی چون: *الانصاف فی الجمع بین الکشف و الکشاف*، *النهایه فی غریب الحدیث*، *البدیع فی شرح*

۱. مقصود آن است که روایاتی که با ملاک‌های بخاری و مسلم صحیح است اما به هر دلیلی در کتاب آنها نقل نشده است. یکی این‌که آن دو گفته‌اند روایاتی که نقل کرده‌اند، صحیح است؛ نه این‌که همه روایات صحیح را نقل کرده‌اند. افزون بر آن، تعصب‌های نگارندگان را در عدم گزینش روایات مربوط به اهل بیت علیهم السلام را نیز نباید از نظر دور داشت.  
۲. سند را تا راوی از پیامبر ص حذف کرده است.

الفصول لابن دهران فی النحو، الشافی فی شرح مسند الشافی و دیوان رسایل به جای مانده است. (مهدی فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ۸۵) وی در جزء یازدهم این اثر در کتاب نهم با عنوان «فی القيامة و ما يتعلق بها اولاً و آخراً» چهار باب را سامان داده که در باب نخست آن با عنوان «فی اشراطها و علاماتها» یازده فصل ذکر کرده است. در فصل اول آن با عنوان «فی المسیح و المهدی» روایاتی را درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه و پیوند نزول عیسی علیه السلام با حکومت آن حضرت نقل کرده است. این احادیث میان شماره ۷۸۳۱ تا ۷۸۳۷ است.

لازم ذکر است که با توجه به عنوان یادشده بیشتر روایات مربوط به دوران حکومت و قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه است اگر چه به نسب و ویژگی های آن حضرت نیز اشاره شده است. یکی دیگر از منابع اهل سنت کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، اثر ابوسالم کمال الدین محمد بن طلحه بن محمد بن الحسن القرشی الشافی (متوفای ۶۵۲ق) از بزرگان محدثین اهل سنت در فقه، اصول و ادبیات است. (نک: حسین عبدالمحمدی، نقد و ارزیابی کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، بهار ۱۳۸۲، ش ۲، ۱۶۴-۱۱۷)

نویسنده در کتاب یادشده در جزء دوم باب دوازدهم با عنوان الباب الثانی عشر فی ابی القاسم، به گونه ای گسترده به بحث درباره مهدی موعود پرداخته است. (نک: محمد بن طلحه شافی، بی تا: ۴۸۹-۴۷۹) وی پس از شرحی ارزشمند درباره مهدی به روایات مربوط به آن حضرت اشاره کرده است. از جمله موضوعاتی که در این روایات بدان اشاره شده می توان به ویژگی های جسمانی مهدی، نسب مهدی به ویژه از نسل فاطمه بودن ایشان، حکومت مهدی، ویژگی ها و مدت آن، اشاره کرد.

از ویژگی های برجسته این اثر این که پس از ذکر روایات به بحث متناسب با آن پرداخته است. و در برخی از موارد، دیدگاه های مطرح شده، مشابه دیدگاه شیعه است.

از دیگر کتاب های اهل سنت که در میان شیعیان نیز شهرت خاصی پیدا کرده است البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله فرجه، اثر ابوعبدالله محمد کنجی شافی (متوفای ۶۵۸ق)، است که در آن احادیث مربوط به مهدی و ویژگی های او را با ترتیب خاص و در ابواب منسجم، ذکر شده است. مؤلف در مقدمه کتابش - برای رد اتهام شیعی بودن دیدگاه مهدویت و اثبات آن، به عنوان یک موضوع اسلامی - اذعان می کند که در این کتاب، فقط احادیثی را آورده که از طریق اهل سنت، روایت شده و از ذکر روایات شیعی پرهیز کرده است. (ابوعبدالله محمد کنجی شافی، ۱۴۲۱: ۱۹) وی درباره فراوانی روایات مهدویت می نویسد:

قد تَوَاتَرَتِ الْاِخْبَارُ وَاسْتَفَاضَتْ بِكَثْرَةِ رُؤَايَاهَا، عَنِ الْمُصْطَفَى فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ. (همان: ۶۷)

احادیث پیامبر اکرم ﷺ درباره مهدی به دلیل روایان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است. او مجموع این احادیث را (هفتاد حدیث) در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضی از جزئیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره نموده است.

نکته برجسته این که وی - با وجود انکار ولادت حضرت مهدی ﷺ از سوی بیشتر دانشمندان اهل سنت - واپسین باب را: «فی الدلالة علی جواز بقاء المهدي حياً» نامیده است. (ابوعبدالله محمد کنجی شافعی، ۱۴۲۱: ۹۷) بر این پایه وی نه فقط ولادت حضرت مهدی ﷺ را پذیرفته؛ بلکه هرگونه استبعاد درباره طول عمر آن حضرت را منتفی دانسته می نویسد:

هیچ امتناعی در بقای مهدی ﷺ وجود ندارد؛ به دلیل این که عیسی، الیاس و خضر - که از اولیای خداوند می باشند - زنده هستند و دجال و ابلیس - که از دشمنان خداوند می باشند - نیز زنده هستند و زنده بودن اینها، به وسیله قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار نموده اند... پس به سخن هیچ عاقلی بعد از این توجه نمی شود، در این که باقی بودن مهدی را انکار کند. (همان: ۹۷)

به باور تاریخ نگاران، نویسنده کتاب، در سال ۶۵۸ هجری قمری در جامع اموی دمشق، به دست گروهی از عوام و به جهت گرایش وی به شیعه، (همان: مقدمه التحقیق، ۱۲) و نقل احادیث مشتمل بر فضائل اهل بیت علیهم السلام، مظلومانه کشته شد.

به نظر می رسد نگارش این کتاب سرآغازی بود بر ویژه نگاری روایات مهدویت در میان اهل سنت. اگرچه ممکن است گفته شود *الفتن* نعیم بن حماد پیش از آن به گردآوری و نقل روایات مهدیت پرداخته است لکن به نظر می رسد با توجه به انبوه روایات نشانه ها در آن کتاب به گونه ای که حتی نویسنده نیز نام آن را «*الفتن*» نهاده آن را از کتابی که ویژه نقل روایات مهدویت است دور می سازد و می توان *البیان* را در این زمینه شاخص دانست. البته نزدیکی دیدگاه شافعی ها در مباحث امامت و مهدویت خود می تواند دلیلی بر این نگارش و مانند آن باشد که کم و بیش بدانها اشاره خواهد شد.

از دیگر آثار می توان به *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، نوشته یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز مقدسی شافعی (متوفای / بعد ۶۵۸) اشاره کرد. *عقد الدرر* به لحاظ فراگیر بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و منبع برجسته ای برای کتاب های پس از آن بوده است. نویسنده در مقدمه کتاب انگیزه نگارش کتاب را تباهی زمان و مشکلات و گرفتاری مردم و

نامیدشدن آنها از اصلاح اوضاع و وجود کینه‌ها میان آنان دانسته و بر این باور است با ظهور و خروج مهدی همه این گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد. وی پس از مقدمه‌ای درخور نگرش، مباحث مهدویت را در ابواب دوازده‌گانه تنظیم کرده است.

وی به‌ویژه در باب پنجم به بعد به‌طور ویژه به مباحث مربوط به مهدی پرداخته است که در میان این مباحث موضوعاتی چون کرامات، شرافت‌ها، فتوحات و سیره مهدی نقل شده است. (یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز مقدسی شافعی سلمی، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۱۲) از برجسته‌ترین ویژگی‌های منابع یادشده در این سده آن است که بیشتر این آثار مربوط به دانشمندان شافعی اهل سنت است.

یکی دیگر از آثار اهل سنت *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، نوشته نورالدین علی بن محمد بن احمد معروف به ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ق) از فقیهان و محدثان مالکی مذهب است. وی در این کتاب در فصل دوازدهم با عنوان «فی ذکر ابی القاسم محمد الحجه الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص» مطالب ارزشمندی را درباره حضرت مهدی علیه السلام آورده است. اگرچه در برخی موارد روایاتی که نقل کرده از منابع شیعه است ولی روایاتی که از منابع اهل سنت نقل کرده نیز دارای ارزش فراوانی است. وی سپس در همین بخش با عنوان «علامات قیام القائم و مدة ایام ظهوره» به نشانه‌های قیام جهانی آن حضرت پرداخته است. البته در بیان نشانه‌های قیام بدون اشاره به گونه‌های آن (حتمی و غیرحتمی) فقط به ذکر آن‌ها بسنده کرده است. (علی بن محمد بن احمد المالکی (ابن صباغ)، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۰۹۷)

- *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، اثر ابوالعباس شهاب‌الدین احمد بن محمد بن علی بن حجر الهیتمی یکی دیگر از آثار اهل سنت در نقل روایات مهدویت است. (ابن حجر هیتمی، بی تا: ۷)

اگرچه ابن حجر در بیشتر نگاشته‌های خود نهایت دشمنی با پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را به نمایش گذاشته، ولی در موضوع مهدویت در بسیاری از موارد، اصالت آن را موافق دیدگاه شیعه بیان نموده است. وی علاوه بر فصل دوم کتاب «الصواعق المحرقة» که به بحث درباره احادیث مهدی اختصاص داده کتاب *القول المختصر* را ویژه بیان روایات مهدویت سامان داده است. که در این دو اثر به بسیاری از فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است. (مهدی فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ۳۵۵)

این کتاب بیشتر نشانه‌ها، فضیلت‌ها، خصوصیات و صفات مهدی منتظر را نقل کرده است. نکته درخور توجه این که بیشتر به نقل مضمون روایت پرداخته است و نه به روایت و نه به

سند آن اشاره نکرده است. این کتاب در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه سامان یافته است. که در مقدمه منکرین دجال و مهدی تکذیب شده‌اند.

در باب نخست به شصت و دو نشانه و خصوصیت مهدی با بهره‌مندی از سخنان پیامبر ﷺ اشاره شده است. در باب دوم آنچه که از صحابه در این باره در دست است اشاره نموده که سی و دو نشانه ذکر شده است. و در باب سوم به پنجاه و شش علامت اشاره کرده که از تابعین و تابعین تابعین نقل شده است. و سرانجام در خاتمه به برخی نشانه‌های متفرقه اشاره شده است.

-*العرف الوردی فی اخبار المهدی* علیه السلام اثر حافظ جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی بکر بن محمد سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)، محدث، تاریخ‌نگار و ادیب بزرگ اهل سنت که در علوم گوناگونی دارای نوشته‌هایی است.

در این اثر به موضوعاتی مانند: نسب، ویژگی‌های جسمانی، فضیلت حضرت مهدی علیه السلام، حکومت جهانی آن حضرت، ویژگی‌ها و مدت آن و اهداف حکومت اشاره شده است.

-*البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*، از کتاب‌های حدیثی گسترده دربارهٔ مهدی علیه السلام است؛ که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته و به دست علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین مشهور به متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق) مؤلف کتاب *کنز العمال*، نوشته شده است. باب‌های نخستین کتاب دربارهٔ کرامات، نسب و پدیده‌های پیش از خروج حضرت مهدی علیه السلام است و در باب‌های پس از آن به چگونگی بیعت با حضرت مهدی علیه السلام، یاران، کشورگشایی‌ها، مدت حکومت و نازل شدن عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت اشاره شده است.

نویسنده دربارهٔ کتاب خود و این که کتاب *العرف الوردی فی اخبار المهدی* نگاشتهٔ جلال‌الدین سیوطی را دیده است آن را باب‌بندی کرده و برخی احادیثی نیز بر آن افزوده است. (علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین مشهور به متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق)، ۱۳۹۹: ۱۰)

از دیگر آثار که شمار روایات در آن افزایش چشم‌گیری داشته، *ینابیع الموده لدوی القریبی*؛ اثر شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی است. قندوزی در سال ۱۲۲۰ قمری در بلخ زاده شد و برای فراگیری دانش به بخارا و کشورهای چین افغانستان و هندوستان سفر کرد. وی از مشایخ بزرگ اهل طریقت و حنفی مذهب و نقش‌بندی مشرب بوده است وی در سال ۱۲۹۴ قمری در قسطنطنیه از دنیا رفته و در مقبرهٔ اختصاصی‌اش در خانقاه مرادیه به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۱. محمد مهدی خراسان در پیش‌گفتار کتاب تا اندازه‌ای به معرفی وی پرداخته است. (رک: قندوزی، ینابیع الموده، التعریف

این کتاب از مشهورترین کتاب‌های وی است که درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در اواخر زندگی او نگاشته شده است. (در این باره نک: قندوزی بلخی و ینابیع الموده شیخ سلیمان بن ابراهیم، اثر سید حبیب‌الله احمد پناه، کتاب ماه دین، شماره ۶۰ و ۶۱، مهر و آبان ۱۳۸۱، ۸۳-۸۲) اگرچه قندوزی در ابتدای این اثر تصریح کرده فقط از کتاب‌های صحاح و جوامع حدیثی و سیره و کتاب‌های تفسیری و دیگر کتاب‌های تأییدشده اهل سنت و جماعت بهره برده (سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ۱۴۱۷: ۴) ولی نگاهی اجمالی خلاف این را ثابت می‌کند.

نگارنده این اثر نخست در آغاز کتاب روایات پرشماری را درباره صلوات و سلام بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است. و البته در این بخش کوتاه نیز، به مناسبت روایتی از *عیون الاخبار* آورده است. (همان: ۹)

امروزه در محافل شیعی به کتاب *ینابیع الموده* به عنوان یکی از منابع روایی اهل سنت، فراوان استناد می‌شود و البته لازم است به منابعی که این کتاب روایات را از آنها نقل کرده، توجه کرد؛ چرا که اگر این کتاب، روایتی را از منابع شیعه نقل کرده، به عنوان روایتی از اهل سنت نمی‌توان یاد کرد.

این کتاب در بردارنده یکصد باب است. که به ترتیب به فضایل پیامبر و امامان علیهم‌السلام پرداخته است. اگرچه به مناسبت در برخی باب‌های این کتاب به روایاتی درباره حضرت مهدی علیه‌السلام اشاره کرده است، ولی به طور فراگیر در این باب‌ها درباره حضرت به نقل روایت پرداخته است:

باب ۷۱ با عنوان (فی إیراد ما فی کتاب *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة* للشیخ الكامل العلامة الشریف هاشم بن سلیمان بن اسماعیل الحسینی البحرانی) ۵۷ روایت درباره مهدویت نقل کرده است. (سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ۱۴۱۷: ۵۱۶-۵۰۵)

نکته قابل درنگ این که برخی نویسندگان معاصر، از این کتاب، روایاتی را در مهدویت نقل کرده‌اند، اگرچه به عنوان یک منبع روایی اهل سنت نمی‌توان به این اثر استناد کرد، ولی در عین حال دلالت بر این دارد که برخی از اهل سنت به این روایات اهتمام داشته‌اند.

بالمؤلف، مقدمه، ص ۲۳-۲۲)

۱. البته کسی نباید تصور کند این روایات چون در این کتاب نقل شده‌اند روایت اهل سنت هستند؛ این نقل فقط به عنوان بخشی از یک گردآوری روایی است که از توجه و علاقه نویسنده به این روایات حکایت می‌کند و نه بیشتر. امروزه برخی به مجرد این‌که به روایتی که در منبعی از اهل سنت نقل شده بر می‌خورند، آن را روایت اهل سنت می‌دانند بدون آن‌که بررسی کنند آیا در دیگر منابع اهل سنت نیز نقل شده است یا نه و آیا سند آن روایت اهل سنت یا شیعه است.



## نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کوتاه از آنچه ذکر شد می‌توان گفت:

۱. شمار روایات مهدویت در منابع اهل سنت نسبت به منابع شیعه، بسیار اندک است. که آن را معلول دوران منع حدیث که به‌طور عمده برای عدم نقل فضایل و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام شکل گرفت، می‌توان دانست. چراکه همواره در روایات نبوی بر از اهل بیت بودن مهدی علیه‌السلام تأکید شده است.
۲. منابع اهل سنت به نقل روایات مربوط به ملاحم و فتن و اشراف الساعه اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. که البته شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که بخش قابل توجهی از آن از منابع پیشین و به‌ویژه یهودی و اسرائیلیات وارد این منابع شده است.
۳. با توجه به شمار فراوان روایات ملاحم و به‌ویژه دجال می‌توان بخشی از دلیل درحاشیه‌ماندن مباحث مهدویت را در میان اهل سنت، ورود برخی اسرائیلیات دانست.
۴. نقل بسیار اندک روایات در دوران یادشده سبب شده تا دوره‌های پس از آن نیز اهتمام چندانی به نقل این روایات از طرف اهل سنت صورت نپذیرد.

## منابع

- ابن ابی شیبہ؛ المصنف؛ بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.
- ابوریه، محمود (متوفای / ۱۳۸۵ق)، *اضواء علی السنة المحمدية*، دار المعارف، الطبعة السادسة، قاهرة، بی تا.
- احمد بن حنبل (متوفای / ۲۴۱ق)، *مسند احمد*، بیروت: دار صادر، بی تا.
- احمد، امین، *ضحی الاسلام*، مكتبة الاسره، مصر ۱۹۹۹ م.
- اربلی، علی بن عیسی (متوفای / ۶۹۳ق)، *كشف الغمة فی معرفة الائمة عليهم السلام*، مكتبة بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ق.
- اکبرنژاد، مهدی، *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
- امینی؛ الغدير؛ بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۳۸۷.
- بستوی، عبدالعلیم عبد العظیم، *المهدی المنتظر عليه السلام فی ضوء الأحادیث والآثار الصحيحة*، بیروت، دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
- \_\_\_\_\_، *الموسوعة فی أحادیث المهدی الضعيفة والموضوعة*؛ بیروت: المكتبة المکیة دار ابن حزم، ۱۴۲۰ق. (ب)
- الترمذی، محمد بن عیسی؛ *سنن الترمذی*؛ تحقیق و تصحیح: عبدالوهاب عبداللطیف، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- حسینی جلالی، سید محمد جواد؛ *احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ش.
- ذهبی؛ *سیر اعلام النبلاء*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، تحقیق و تعلیق: سعید محمد اللحام، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
- شافعی، محمد بن طلحه، *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول عليهم السلام*، تحقیق: ماجد احمد العطیه، بی جا، بی تا.
- صنعانی، ابوبکر عبد الرزاق بن همام، *المصنف*، تحقیق: حبیب الرحمن اعظمی، بی جا، بی تا.
- طبرانی (متوفای / ۳۶۰)، *المعجم الكبير*، تحقیق و تخريج: حمدی عبدالمجید السلفی، چ دوم، دار احیاء التراث.

- عبدالله بن عدی الجرجانی؛ *الكامل*؛ تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۹ق.
- عبدالمحمدی؛ حسین؛ نقد و ارزیابی کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول»، *تاریخ اسلام درآینه پژوهش*، بهار ۱۳۸۲، ش ۲.
- فخّار، عبدالحسین، *ذهنیت مستشرقین*، چاپ سوم، تهران: نشر آفاق، ۱۳۷۸ش.
- فقیه ایمانی، مهدی، *الامام المهدی عند اهل السنه*، قم: مجمع العالمی لاهل البيت عليه السلام، ۱۴۱۸ق.
- قزوینی، محمد بن یزید (متوفای ۲۷۳)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بی تا.
- قندوزی، *ینایع الموده*، انتشارات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۷ق.
- کنجی شافعی، *البيان فی اخبار صاحب الزمان*، دارالمحجة البيضاء، تحقیق و تقدیم: مهدی حمد الفتلاوی، بیروت: ۱۴۲۱ق.
- المالکی، علی بن محمد أحمد (ابن الصباغ)؛ *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*؛ قم: دارالحديث للطباعة والنشر، ۱۴۲۲.
- متقی هندی، علاءالدین علی، *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*؛ چاپ اول، قم: مطبعه خیام، ۱۳۹۹.
- مروزی، نعیم بن حماد (م ۲۲۹)، *الفتن*، تحقیق: ابو عبدالله، ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة التوفيقية، بی تا.
- المزی؛ *تهذیب الکمال*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
- نسائی؛ *الضعفاء والمتروکین*؛ بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۶.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، مكتبة الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ق.
- نیشابوری محمد بن محمد (حاکم نیشابوری)، *مستدرک الحاکم*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
- یوسف بن یحی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی سلمی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، چاپ اول، مكتبة عالم الفكر، ۱۳۹۹ق.
- هیتمی، احمد بن محمد بن حجر المکی، *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، محقق: مصطفی عاشور، قاهره، مكتبة القرآن، بی تا.

